



## اگر برای آبادانی دین کاری نمی‌کنیم، دین را خراب‌تر نکنیم

آیت‌الله میرزاآبدولله دوزوانی تبریزی در جلسه درس اخلاق خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، گفت: «الإمام علیّ علیه السلام: زلّة العالم کانکسار السّفینة تفرّق، و تفرّق، امام علی علیه السلام می‌فرماید: لغرض عالم مانند شکسته شدن کشتی‌ای است که سرنشینان خود را غرق می‌کند و خودش هم غرق می‌شود. اشتباه عالم مانند اشتباه فرد عادی نیست. (فکر و عمل اشتباه او) عده‌ای را منحرف می‌کند، مانند محمدعلی باب، دین مردم را سست (ومنحرف) می‌کند. در عصر حاضر، عالم را روحانی خطاب می‌کنند. روحانیت فقط به عبا و عمامه نیست. باید فکر و عمل و خواب و همه چیز او به معنویت مربوط باشند. روحانی برای دنیا حرکت نمی‌کند. روحانی واقعی برای تربیت دینی و انسانی باید تلاش و تبلیغ کند. برگرد آنکه با هوس کشور آمده است / سر ناورد به افسر شاهی گدای ما.» این مرعج تقلید شیعیان در ادامه گفت: «زندگانی عالم‌ان را بخوانید. سید نعمت‌الله جزائری چگونه زندگی می‌کرد؟ آه، من خجالت می‌کنشم. بعضی می‌گویند نمی‌شود. خوب برای چه طلبه شده‌اید؟ اگر برای دنیا آمده‌اید، بروید. نتیجه عکس دارد. می‌آیند؛ گمراه می‌شوند؛ قومی را به گمراهی می‌کشند.» ایشان ادامه دادند: «داستان شقرانی که از مولای امام صادق علیه السلام است را خوانده‌اید و می‌دانید! امام است، تقیه می‌کند، رفته است پیش منصور. شقرانی از امام درخواست وساطت برای معیشتش را دارد. شقرانخواستار است اما امام که جانم به فدایش، قبول می‌کند. کار که حل شد امام فرمودند: اِنَّ الْاَحْسَنَ مِنْ كُلِّ اُحْدِ حَسَنٌ وَاِنَّهُ مِنْكَ اَحْسَنُ لِمَكَانِكَ وَمَا وَاِنَّهُ الْاَفْبَحُ مِنْ كُلِّ اُحْدٍ قَبِيْحٌ وَاِنَّهُ مِنْكَ اَفْبَحُ لِمَكَانِكَ مِمَّا. (بحارالانوار، ۴۷، ۲۵۰) خوبی از همه خوب است، اما از تو خوبتر چون به ما منسوب هستی و بدی برای همه بد است، اما از تو بدتر زیرا که تو منسوب به ما هستی. تو از شیعیان امام صادق علیه‌السلام هستی (بایست مراقب رفتار و کردارت باشی).» ایشان در پایان افزودند: «امام‌علیه‌السلام پندی دیگر هم برای ما دارد؛ کسی که خلاف می‌کند با اشاره و تلویحاً او تا ذکر دهیم، نگوییم نماز باطل است. بگوییم در رساله این را، اینطور خوانده‌ام. وظیفه ما خیلی سنگین است. خطا اگر در حوزه باشد بسیار بد است. اگر برای آبادانی دین کاری نمی‌کنیم، دین را خراب‌تر نکنیم، آقایی که می‌خواهی روحانی باشی و چهمنی نباشی، مواظب باش کار عکس نشود. حتی الامکان اگر برای آبادانی دین کاری نمی‌کنیم، خراب‌تر نکنیم. ان‌شاء‌الله موفق باشیم که مردم را هدایت کنیم و شرط آن ابتدا هدایت خودمان است.»



## به حفظ امید باور دارم

سعید حجازیان، از تئورسین‌های اصلاحات به یک انتقاد از توفیتی که چند روز پیش زده بود واکنش نشان داد. او دوشنبه در صفحه توییتر خود در تحلیل وضعیت روزهای اخیر کشور نوشته بود: «دولت سبزی‌دهم و تفکر حاکم بر آن چماقی بود به بار شیشه مملکت؛ مسئله نرخ بنزین، «نور» حجاب، و دیگر طرح‌ها و اقدام‌های در پیش هم ضربات مهلک‌تری هستند. تداوم این تفکر در دولت چهاردهم آخرین چماق است بر بار شیشه، و دیگر چیزی باقی نخواهد ماند.» اما حجازیان سه‌شنبه شب در صفحه توییتر خود به یک نقد مطرح‌شده از جمله‌اش اشاره کرد و نوشت: «منتقدی مجرّب نقدی بر این پست نگاشته و بیان کرده‌اند: «چیزی باقی نخواهد ماند» گزاره‌ای آخرالزمانی است؛ یعنی چیزی متصور نیست که برای حفظ/اصلاح‌اش تلاش کنیم. پاسخ اینجانب: به حفظ «امید» و نگه داشتن شعله شمع باور دارم ولی توأمان «نقد» را شرط لازم هر گشایش و سخن ایجابی می‌دانم.»

از کتاب‌هایی که روایت تاریخی معوج و منحرف از حقیقت در آنها صورت گرفته بود راه افتاد. بعد از آن عده‌ای که غیرت انقلابی و دینی داشتند، استین بالا زدند و کارهای مفیدی را شروع کردند.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «غیرت و حساسیتی در آقای سلیمی‌نمین روی انقلاب و ارانه تصویر روشن و درست از حضرت امام یافتیم و این روحیه ایشان را تحسین می‌کنم. انصافاً هم حساسیت‌هایی که به خرج داده‌اند در نقاط درستی بوده است. یعنی جاهایی است که اگر آدم‌ها بدهد این انحراف مستقر شود و پاسخ در خور به آن داده نشود، به تدریج تبدیل به یک حقیقت دروغین می‌شود و نسل‌های آینده شاید خیلی سخت بتوانند حقیقت راستین را پیدا کنند. تا فرصت هست و هنوز نسلی که خالق بسیاری از واقعات تاریخی ما بودند در قید حیات هستند، باید این کارها صورت بگیرد و از آنها کلامی دریافت شود.»

بخش عجیب این جلسه به نیامدن الویری مرتبط است که پس از اعلام آن خود سلیمی‌نمین به توضیح مابوق این نیامدن پرداخت و گفت: «یکی از بخش‌های کتاب مرتبط با مناظره ایشان است و یکی از موارد مطرح‌شده فیلمی است که از ایشان درباره خارطه ابراهیم یزدی منتشر شده و امام را فردی مذنب نشان می‌دهد. دو موضع به فاصله اندکی میان جلسه‌ای که بقیه با ایشان داشتند و بعد در جلسه با ابراهیم یزدی موضع دیگری گرفت. دغدغه‌ها با آقای سیدحسین مطرح کردیم و این بحث در جماران پیگیری شد و این مناظرات اتفاق افتاد. قرار بود جلسات بعد هم بپایند که آقای الویری کم‌لطفی کردند و نیامدند.» وی درباره این خارطه توضیح‌حاشی داد که در نهایت منبع آن را در پیگیری از الویری، ابراهیم یزدی عنوان کرد. او گفت: «در جلساتی که در سال‌های پایانی عمر ابراهیم یزدی با ایشان در خانه عبدالله نوری داشتند، ایشان این خارطه را تعریف کرده است.» بعد هم او به مصاحبه‌های ابراهیم یزدی در سال ۵۹ در روزنامه کیهان در حمایت از ادامه دادن این گروگانگیری اشاره کرد و به جزئیات مناظره پرداخت و گفت: «ایشان سخنان من را پذیرفتند و گفتند اگر چنین باشد من آن را در کتابم می‌آورم. ما به پاس این شجاعت چون بسیاری خطا می‌کنند اما برگشتن از خطای خود را تخریب می‌دانند، از ایشان دعوت کردم و یک ماه قبل فایل کتاب را برای ایشان ارسال کردم. پرریوز گفت که فایل کتاب را نتوانستم بخوانم کتاب را ارسال کنید. من هم کتاب را فرستادم و دیشب تماس گرفتند و گفتند که من با آقای مهندس توسلی صحبت کردم و ایشان گفت که این خبر همان زمان منتشر شده است و من اگر ببایم این را مطرح می‌کنم و پس از آن جواب بدهد و منازعه می‌شود. من گفتم یکی از این مستندات را بدهید. نیم ساعت پیش ایشان گفتند که نمی‌آیند و من زنگ زدم و گفتم که این توهین به جمع است. ایشان پیام دادند که «در فرصت چند دقیقه‌ای مجال تبیین این موارد نیست لذا ترجیح می‌دهم به‌رغم تصمیمی که تا عصر داشتیم در جلسه شرکت نکنم.» ایشان در آن جلسه گفت که دست‌انوش با او بود و سلمنا گفتند. بعد به باورقی‌های مطلب در این زمینه اشاره کرد و به خاطر توضیحات آن چنین تصمیم گرفته بود.» وی در ادامه گفت: «در صحیفه امام و خاطرات یزدی و برنامه جلسات امام چنین چیزی نیست. وقتی از آقای الویری دعوت کردم برخی گفتند چرا چنین کاری کردی و من گفتم در بحث فرهنگی باید این روند دوسویه را در پیش گرفت.» وی در پایان گفت: «احتمالاً آقای ابراهیم یزدی در اواخر عمر که آن جلسه را گذاشتند فراموش کرده‌اند این روایت خلاف واقع که گفته با خاطراتش در تناقض است.» پس از این سخنان در حوزه تاریخ‌نگاری موسی حقانی به تحسین این کتاب پرداخت و در بخش ابتدایی سخنانش به تقدیر از کتاب پرداخت و بخش اول آن را درباره تمدن و تاریخ ایران تبیین کرد و همچنین به موضوع دین‌سنجی در قالب احیای ایران باستان پرداخت و پس از آن هم فصل‌های مختلف را اشاره کرد و در بخشی از آن به بحث پیشین سلیمی‌نمین و الویری اشاره کرد و گفت: «ایشان گزارش دادند و متأسفانه دروغ‌گویی منشی دبیرکل‌های نهضت آزادی شده است و هم تاریخ انقلاب و مواضع انقلاب را تحریف کرده‌اند.»

و در نهایت هم رضا پورحسین در تقدیر از بی‌طرفی کتاب با تاکید بر اینکه تحلیل و نگارش بدون سوگیری در تشریح مسائل کار دشواری است، از این کتاب به عنوان نمونه خوبی در این زمینه یاد کردند و در نهایت هم رونمایی کتاب اتفاق افتاد.

## سخن‌پایانی

در لحظه لحظه جلسه، همه سخنرانان گلایه‌مند از تحریف تاریخ بودند و در جای جای کتاب نیز نویسنده بر نگارش بی‌طرفانه تاریخ تاکید کرده است اما آنچه در بخش‌های مختلف نگارش کتاب و حتی جلسه به چشم می‌آید، لغای نظر نه صرفاً در بیان تفاوت روایت بلکه در مسیر تخریب روایتگران طرف‌دار مناظره در کتاب سلیمی‌نمین بوده است. نویسنده کتاب و مدعوین جلسه که همه از قلم و کتاب نویسنده تقدیر کردند، به این موضوع اشاره نکردند که یکی از روش‌های جلوگیری از انحراف تاریخ، تلاش برای نگارش بی‌طرفانه آن است که آن هم نیازمند تلاش نویسنده در درج محتوا بدون سوگیری است؛ به‌ویژه که این القائات در این کتاب در ابتدای هر بخش آمده و موجب شده است که پیش از مطالعه نگاه نویسنده بر محتوای پیش روی خواننده سایه افکند و عملاً یک تاریخ‌نگاری بی‌طرفانه را که به‌رغم نویسنده‌اش با انتشار دوسوی تحلیل در این کتاب قرار بود رخ دهد تحت الشعاع قرار داده است. فارغ از اینکه برخی از سخنرانان مانند موسی حقانی به صراحت از اصطلاح دروغ‌گو برای اعضای نهضت ملی در سخنان‌شان استفاده می‌کند و همه را با یک چوب می‌راند. معمولاً به چهره‌هایی مانند مسعود بهنود که سابقه روزنامه‌نگاری دارند با این عنوان که ژورنالیستی می‌نویسد، این‌ها را می‌کنند اگر چه در آن نوع تاریخ‌نگاری کمتر به صراحت نظر نویسنده‌ای بیند که نسبت به افراد موضع می‌گیرند اما در اینجا ما با تاریخ‌نگاری با صبغه سیاسی نگاری روبه‌رو هستیم.

پرداخته است. مرتضی الویری آن را در گفت‌وگویی مطرح می‌کند و فتح باب مجموعه جلسات مناظره میان مرتضی الویری و عباس سلیمی‌نمین در باره صحت یا سقم آن می‌شود. سلیمی‌نمین نشست اول را با عنوان تسخیر و روایت‌های مخدوش و نشست دوم را با عنوان خرد جمعی و نظام تصمیم‌ساز در دفاع مقدس و... می‌نامد. در بخشی از نشست اول به نقل از الویری آمده است: «خاطرات من دارد چاپ می‌شود و در آنجا همین بحث دکتر یزدی مطرح شده است. لطف کنید مصاحبه‌ای که اشاره فرمودید را به من بدهید. اگر این مصاحبه‌ها تعارضی داشته باشد با آن روایتی که آقای یزدی نقل کرده، من تکذیب این را آنجا خواهم آورد و خیلی صریح بیان می‌کنم.» در این بخش سلیمی‌نمین در پاورقی تاکید کرده است: «تحقیق انجام شد، چنین ملاقاتی به ثبت نرسیده، یعنی هرگز صورت نگرفته است.» و بعد عکس چند مصاحبه یزدی را در سال ۱۳۵۹ ضمیمه کرده است.

**فصل هشتم** این کتاب و فصل هفتم آن بحث‌برانگیزترین مطالب کتاب است. فصل هفتم که در همان جلسه رونمایی کتاب بخش به میان آمد و فصل هشتم هم با عنوان «منشأ تقابل آیت‌الله منتظری با امام است» که به مناظره‌ای تحت عنوان «بیت آیت‌الله منتظری و حوادث دهه ۶۰» اشاره دارد که به همت انجمن اندیشه و قلم با حضور سلیمی‌نمین، مرتضی باقری از مؤسسان واحد نهضت‌های آزادی‌بخش، مصطفی ایزدی، فعال سیاسی نزدیک به آیت‌الله منتظری و مجتبی لطفی عضویت و دفتر آن مرحوم در آبان ۱۳۹۷ برگزار شد و متن آن با عنوان دفاع «قاطع امام از حقوق عامه» آمده است. بعد هم در بخش بعدی با عنوان غلبه حواشی بر متن به سخنان لطفی درباره اختصاص وجوهات به خانواده‌های محکومان بهایی، توده‌ای، مجاهدین و... اشاره کرده است و متن یادداشت عباس سلیمی‌نمین با عنوان «تعبیر رویکرد با محمل انسانی» پاسخ لطفی و یادداشت باقی در توضیح آن آمده است و در نهایت کتاب با جوابیه سلیمی‌نمین به این موضوع به پایان می‌رسد. او در بخشی از این جوابیه آورده است: «این اظهارات شاذ در بی‌بازتاب یافتن سخنان یک عضو کنونی دفتر آیت‌الله منتظری (مجتبی لطفی) در یک مناظره مبنی بر کمک آن مرحوم به خانواده زندانیان بهایی، مجاهد، توده‌ای و... در فضای مجازی، البته ابتدا آقای لطفی به تکذیب سخن خود پرداخت اما بعد از عرضه شدن فایل صوتی وی و موضع‌گیری انجمن برگزارکننده مناظره، دال بر صحت آنچه منعکس شده دیگر سکوت را بر ادامه موضع‌گیری تریج داد.»

## سخنی درباره کلیات کتاب

این کتاب در مجموعه «آرشیو مطالب» از جمله کتاب‌هایی است که با سوز و پندی توانسته منظور خود را به مخاطب برساند اگر چه عنوان چالش‌های تاریخ انتظار کار تحقیقی بزرگ‌تر و جامع‌تری را می‌طلبد و عملاً اینکه مجموعه‌ای از مناظرات آمده و در نهایت حاشیه‌نویسی برای تکمیل گفته‌ها اتفاق افتاده بیش از ارتقای این کتاب به جایگاهی برای استفاده محققان تاریخ در پژوهش‌های تاریخی مناسب برای روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی برای آشنایی با نظرات افراد مورد مناظره با سلیمی‌نمین است. البته گفت‌وگو و مناظره در کلان نقش خود را در تاریخ ایفا می‌کند اما در نهایت چون متأثر از حضور ذهن و حاضر جوانی و قدرت کلام افراد است فاصله خود را با متون تحقیقی دارد. اگر چه سلیمی‌نمین تلاش کرده است که در مقام نگارنده کتاب سطور و سخنان خود را مستندسازی کند. این عمل او از جهت متون منتسب به ایشان نقطه قوت است و از آن جهت که سوی مقابله مناظرات در این کتاب چنین فرصتی را نداشته‌اند، از سوی دیگر نقطه ضعف در حفظ تعادل است.

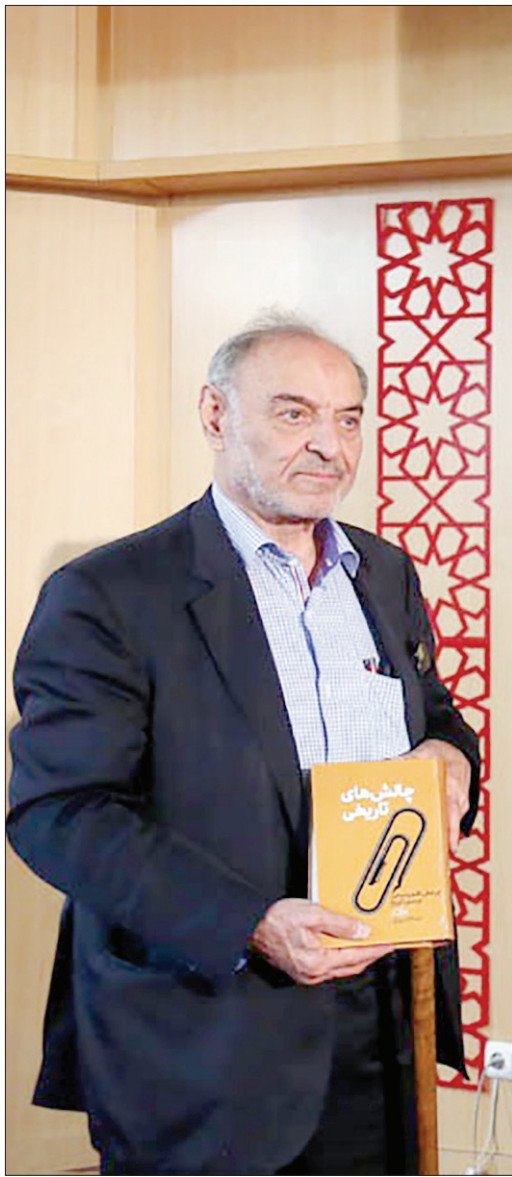
## دربار کل نهضت آزادی دروغ‌گو هستند

سخنران اول جلسه مرتضی اشراقی، نوه امام بود که موضوع بحثش را به تحریف هدفمند اندیشه‌های امام پرداخت و با تقدیر از عباس سلیمی‌نمین به خاطر تألیف این کتاب، گفت: «امروز با توجه به گسترش فضای رسانه‌ای و مجازی و به تبع آن، خبررسانی و انتشار اخبار در این فضا و اثرگذاری آن بر روی افکار عمومی، حقایق و واقع در بعضی از اوقات به صورت وارونه نمایش داده می‌شود و در واقع قلب حقیقت پیش می‌آید و بالطبع آن تحریف در یک واقعه رخ می‌دهد.» نوه امام خمینی، با اشاره به برنامه‌ریزی معاندین انقلاب برای تحریف اندیشه‌های حضرت امام، تأکید کرد: «امروزه متأسفانه شاهد آن هستیم که زندگی شخصی، سیاسی و اجتماعی حضرت امام به صورت هدفمند تحریف شده و به جامعه عرضه می‌شود. نمونه‌های بسیاری را هم در شبکه‌های مجازی و هم رسانه‌های معاند شاهد هستیم.» اشراقی با تأکید بر اینکه یک مورخ باید شجاع باشد و از پروپاگاندا رسانه‌ای نترسد، تصریح کرد: «تحریف امام، تحریف انقلاب و تحریف جمهوری اسلامی و تحریف اسلام ناب محمدی (ص) است. رهبر معظم انقلاب بارها فرمودند که در مقابل شیخون‌های فرهنگی دشمن باید برنامه داشت چون آنان نیز با برنامه و هدفمند همه‌جمله فرهنگی انجام می‌دهند. به همین دلیل ما نیز باید برنامه داشته باشیم و یکی از مهم‌ترین کارهایی که ما می‌توانیم در مقابل همه‌جمله فرهنگی دشمن انجام دهیم، «جهاد تبیین» است؛ جهاد تبیین در خصوص انقلاب، امام و دفاع مقدس.»

سخنران بعدی این جلسه صفارهرندی بود. او در این مراسم گفت: «دهه ۷۰ از زبان عناصر ضدانقلاب خواندم که لازم نیست کار سیاسی و مبارزه سیاسی کنیم و کافی است با نسلی که از دوره انقلاب فاصله دارد وارد گفت‌وگو شویم و اطلاعات آنها در زمینه‌های تاریخ و فرهنگ را منطبق با آنچه خودمان درست می‌دانیم، تنظیم کنیم. اگر آنها این گونه مطالب را از ما دریافت کردند، عمل سیاسی را خود آنها انجام خواهند داد. به نظر من این کار را هوشمندانه انتخاب کردند و خیلی ظریف شرارت در پیش گرفتند؛ و موجی



بخشی از کتاب:  
**ابراهیم یزدی در مصاحبه با مجله «دنیای سخن» گفتار خود را به گونه‌ای آغاز می‌کند که گویا بنا دارد از لغزش ناشی از یک‌سوگیری و یک‌جانبه‌گرایی سایر نویسندگان و تحلیلگران نهضت ملی شدن صنعت نفت به جد دوری کند. این فعال عرصه سیاست با اذعان به این واقعیت که آثار منتشر شده در این زمینه «حادثه را از یک زاویه و با دیدگاه خاصی مورد بررسی قرار داده‌اند» و وعده ارائه نگاهی بی‌طرفانه را به خواننده می‌دهد.»**



است. برای روشن‌تر شدن ابعاد این فاجعه و تشخیص آسان‌تر سه از ناسره، مناظره‌ای قلمی در این فصل تقدیم حضور می‌شود.» با این مقدمه، او بخش اول را با عنوان «حمایقتی که فاجعه آفرید» به گزارش روزنامه سازندگی به قلم مریم گنجی با همین نام اختصاص داده است. در ابتدای آن نیز آورده است: «روزنامه سازندگی در تاریخ ۲۸/۵/۱۳۹۸ به مناسبت سالگرد فاجعه به آتش کشیده شدن سینما رکس آبادان مطلبی به قلم مریم گنجی منتشر ساخت. مطلب ارائه‌شده پیرامون این جنایت تاریخی به نوعی نیروهای ضدسلطه و استبداد را در مظان اتهام قرار می‌داد. در پی این «تحریف بزرگ» عباس سلیمی‌نمین-مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران- جوابیه‌ای به روزنامه سازندگی ارسال کرد و ضمن نقد این روایت، ادعاهای غیرمستند در آن را کاملاً خلاف واقع خواند... متن کامل مطلب تحریف‌آمیز مورد اشاره تحت عنوان اصلی «حمایقتی که فاجعه آفرید» و عنوان فرعی «هنوز روایت‌ها و ناگفته‌های بسیاری در مورد فاجعه سینما رکس وجود دارد.» و جوابیه به آن در روزنامه سازندگی (۴۷۱، ۶/۲۶/۱۳۹۸) است که امیدواریم به روشن‌سازی ابهامات تاریخی یاری رساند.» بخش بعدی این فصل «رکس» آنتشی که به جان آتش‌افروزان افتاد، پاسخ او به روزنامه سازندگی بوده است. در بخشی از این پاسخ و خطاب به محمد قوچانی، سردبیر وقت روزنامه نوشته است: «جریده شما با استناد به اظهارات یک شرور سابق‌بهدار که برای تیره خود از عامل اجرایی ساواک شلشن در این جنایت داستان پردازی می‌کند (که شما هم به آن اذعان کرده‌اید) از یک سو چهره مبارزات این ملت را ملوک‌مکی می‌سازد و از دیگر سو فهم همه فرهیختگان زمان وقوع جنایت را به زیر سوال می‌برد.» سلیمی‌نمین در ادامه این فصل در پیوست، مروری را بر کیفرخواست متهمان جنایت ضمیمه کرده است.

**فصل ششم** کتاب چالش‌های تاریخی با عنوان «خیزش سراسری یک ملت از دریاچه مستند انقلاب ۵۷» است در مقدمه آن با عنوان «محاجه‌ای قلمی با شبیحه من‌وتو» که این شبیحه تاکید دارد (منتسب به سازمان بهائیان) است به تشریح روایتگری شبیحه «من‌وتو» از انقلاب پرداخته و نکاتی در این زمینه و نحوه روایتگری و حتی تفاوت با روایتگری «بی‌بی‌سی» در این زمینه پرداخته و پس از آن دست به معرفی احسان نراقی و سخنان او زده است و پس از آن متن کامل مستند انقلاب را به صورت مکتوب آورده است و نقد خود را درباره این برنامه که از ۲۹ شهریور تا ۲ مهر ماه در شبکه «من‌وتو» روی آنتن رفته با عنوان «مستند بیگانه با سند» منتشر کرده است. شاید این بخش از کتاب تحقیقی و روایی‌ترین بخش آن به شمار آید که احتمالاً بخش‌های مختلف آن در جایی منتشر نمی‌شود.

**فصل هفتم** این کتاب با عنوان «فرجام تمسک به منابع نامعتبر» مناظره شفاهی مرتضی الویری و عباس سلیمی‌نمین درباره گروگانگیری پس از تسخیر سفارت آمریکا در سال ۵۸ و حوادث پیرامون آن است. موضوعی که او در میانه جلسه رونمایی از کتاب به آن اشاره کرد و در این بخش مهم‌ترین موضوع جلسه‌ای است که ابراهیم یزدی در دیدارهایی که با چهره‌های سیاسی در سال‌های آخر عمر داشتند به آن اشاره کرده است و در آنتای اتفاقات آن سال به دیداری با امام خمینی درباره این گروگانگیری

